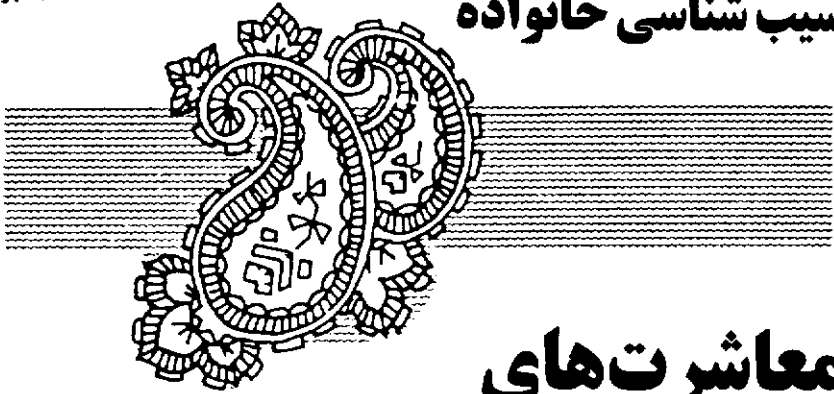


## آسیب شناسی خانواده



# معاشرت‌های خانوادگی

از علی علیه السلام نقل شده است: **وَدُّ الْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ مِنْ أَكْثَرِ شَعْبِ الْإِيمَانِ**<sup>۱</sup> - دوستی برادر دینی به خاطر خدا، از استوارترین عوامل ایمان است.

معاشرت‌های فامیلی و خانوادگی در درجه اول باید بر اساس ایمان و تقوا استوار بوده، از هر نوع آلودگی به فساد و گناه برکنار باشد.

از آنجا که کودکان خانواده در شرایطی هستند که هر چه در برابرشان قرار داده شود، بلافاصله از آن تقلید می‌کنند، بزرگسالان باید به خاطر تربیت آنها هم که شده از مجالس آلوده بپرهیزند.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمود: **لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِساً يَعْصِي اللَّهَ فِيهِ وَهُوَ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ**<sup>۱</sup> - مرد مؤمن در مجلسی که در آن گناه و عصیان تحقق می‌یابد شرکت نمی‌جوید، در حالی که توان و قدرت دگرگونی آن را دارا نیست. بدیهی است که وقتی ناجی غریق نتواند غریق را نجات دهد، هرگز خود را به آب نمی‌زند.

عقل و خرد نیز حکم می‌کند که افراد ضمن

میل به معاشرت از غرایز طبیعی آدمیان است. حیات اجتماعی پدیده‌ای بس زیبا از جلوه‌های انس و الفت و تعاون بشری است. انسان مدنی الطبع است و از هموعان خود توقع انس و الفت و مهربانی دارد.

در دین اسلام بر معاشرت‌های سودمند و مفید تأکید شده و در بعد خویشاوندی و خانوادگی، با عنوان **صَلَةُ أَرْحَامٍ** سفارش فراوانی به عمل آمده است.

رسول خدا (ص) می‌فرمود: **الْمُؤْمِنُ الْفَتَى وَالْمَأْلُوفُ**<sup>۱</sup> - مرد با ایمان دوستدار انس و الفت با دیگران است و همین‌طور دوستی و محبت دیگران را با آغوش باز استقبال می‌کند. همچنین از ایشان نقل شده است: **إِنَّ الْمُسْمِنَ يَشْكُنُ أَخِيهَ كَمَا يَشْكُنُ الظَّمَانُ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ**<sup>۲</sup> همان‌طور که آدم تشنه دنبال آب خنک می‌گردد، مؤمن نیز مشتاق دیدار برادر دینی است.

برآوردن احتیاج به معاشرت و مراوده با دیگران، حدّ و حدودی را در معاشرت خود قائل شوند و با افراد و خانواده‌هایی ارتباط برقرار کنند که راه انسانیت و شرف را به روی انسان بگشایند، نه آنکه موجب فتنه‌گری و آلودگی و سقوط گردند.

من در طول عمر خود ناظر خانواده‌هایی بوده‌ام که بر اثر معاشرت‌های ناروا شخصیت خود و خانواده را بر باد داده‌اند. و چه خانواده‌هایی که بر اثر خلط و اختلاط با افراد آلوده و فاسد همانند پسر نوح خاندان نبوت خود را گم کرده و به اعتیادهای خطرناک آلوده شده‌اند.

باید توجه داشته باشیم که نیروی تقلید در انسان بسیار قوی است، به طوری که اگر آدمی فاقد این قدرت بود، سطح فرهنگ و تمدن بشری هرگز به این پایگاه نمی‌رسید و زندگی انسان همچنان در سطح ابتدایی باقی می‌ماند. یکی دیگر از خصوصیات آدمی تلقین‌پذیری اوست، لذا اگر الگوهای مورد تقلید فاسد و آلوده باشند، وسیله‌ای برای فساد و تباهی دیگران خواهند بود، زیرا معاشران بتدریج تحت تأثیر رفتار آلوده قرار می‌گیرند و اصالت‌های خود را از دست می‌دهند.

حال اگر گفته شود روایاتی که در باب صلّه ارحام وارد شده از نظر مفهوم مطلق است و صالح و طالح هر دو را در بر می‌گیرد و روی این اصل افراد موظف هستند با هر نوع فامیلی ارتباط و معاشرت برقرار سازند تا صلّه ارحام تحقق یابد، در پاسخ می‌گوییم اولاً صلّه ارحام<sup>۵</sup> بر دو نوع است: واجب و مستحب، که اگر از نوع دوم باشد، پر واضح است که دستور مستحبی تاب مقاومت در برابر نهی صریح از

شرکت در محافل آلوده و فاسد را ندارد، و اگر از نوع اول باشد پاسخ این است که از آیه " إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ "<sup>۶</sup> استفاده می‌کنیم که فامیل فاسد و آلوده اخراج موضوعی از صلّه ارحام دارند، یعنی فامیل لایابالی و فاسد اساساً جزو فامیل مؤمنین قلمداد نمی‌گردند تا عموم صلّه ارحام آنها را نیز فرا بگیرد؛ چنانکه خداوند متعال به نوح پیامبر فرمود: پسر تو از تو نیست، زیرا اعمال و رفتار او شایسته نمی‌باشد. شاعر در این باره می‌گوید:

گر نبود مرد را دیانت و تقوی

قطع رحم بهتر از مودت و قربی

مرحوم دکتر سید جواد مصطفوی در این باره چنین می‌گوید: "مرد مسلمان باید نسبت به مردان نامحرمی که در خانه‌اش رفت و آمد می‌کنند حساس و با احتیاط باشد، تا مبادا زن و دخترش در دام بیفتند. حتی نسبت به فامیل و خویشان نامحرم و مهمانان و کارگران نیز نباید خوش‌بین و مطمئن باشد."

سپس به جمله‌ای از علی علیه‌السلام استشهاد می‌کند: وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِذْخَالِكَ مَنْ لَا مُؤْتَقٍ بِهِ عَلَيْهِنَّ<sup>۷</sup> همان‌طور که باید از زنان و دختران در بیرون از خانه مراقبت‌های لازم به عمل آید، از افراد غیرمطمئن و ناشناخته نیز باید مراقبت‌های ضروری صورت گیرد و نباید هر کسی را به درون خانه راه داد، زیرا خطر مرحله دوم از خطر مرحله اول کمتر نیست.

دکتر مهدی کی‌نیا از قول زنی این‌گونه نقل می‌کند:

"من از یک خاندان بزرگ و سرشناس تهران بودم. تا اواخر دبیرستان درس خوانده و هنوز پا به کلاس ششم نگذاشته بودم، که خواستگاری

نشان نمی‌دادم، اما بعدها به‌منظور گرفتن انتقام از همسر من یا او گرم گرفتم و حتی علاقه‌ای نیز نسبت به او در ته دلم پیدا شد. در این بین دو دختر معصوم ما، سنبل و مینا پنج و چهار ساله شده بودند.

روزی شوهرم اظهار کرد که بهتر است این دو دختر را به پانسیون بسپاریم، من با این فکر مخالفت کردم، چون به هیچ وجه نمی‌توانستم از آنان جدا شوم. اول با تهدید و سپس با التماس و تمنا از او خواهش کردم که از این فکر صرف‌نظر نماید، ولی چشم عقل وی طوری کور شده بود که گوشش به این حرفها بدهکار نبود. بچه‌ها را به پانسیون فرستاد و من روزها ساعت شماری می‌کردم تا شب جمعه فرا رسد و دو بچه را که از سنبل تر نیز با طراوت‌تر بودند ببینم و ساعتی غم روزگار را با دیدن آنان فراموش کنم. تا اینکه روزی شنیدم که یوسف با آن دخترک قصد ازدواج دارد. آتش انتقام من نیز زیانه کشیده، از عفت و ناموس چشم پوشیدم و من هم ...

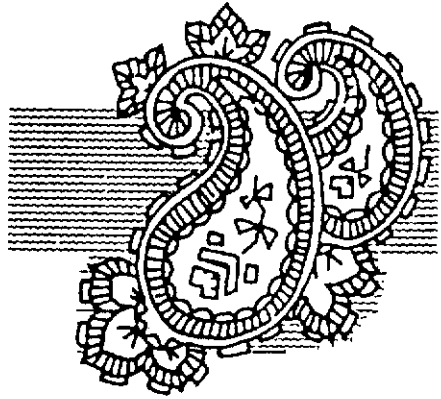
اکنون بدان گونه که از شرف و آبرو خداحافظی کرده‌ام، پدر و مادر و قوم و آشنا هم مرا ترک کرده‌اند و من در حقیقت با یک دنیا غم و غصه تک و تنها مانده‌ام. از دو بچه معصوم خود نیز خبری ندارم، همین خانه که روزی کعبه آمال من و همسرم بود و از در و دیوار آن صفا و صمیمیت می‌بارید، امروز به محل فساد تبدیل گشته و مهر و محبت و انسانیت از آن رخت بر بسته است.<sup>۹</sup>

\* \* \*

در پایان به همه خانواده‌ها توصیه می‌شود که به‌خاطر حفظ و نگه داشتن شرف و تقوا، در

برایم پیدا شد که هیچ‌گونه ایرادی نداشت. او تحصیل کرده بود و شغل آبرومندی داشت. خود من و پدر و مادرم به وصلت با او راضی و خرسند بودیم، بنابراین به پیشنهاد ازدواج او پاسخ مثبت داده شد و مقدمات عروسی فراهم گردید و من با تشریفات بسیار مجلل به خانه داماد رفتم. چند سال با خوشی سپری شد و در عرض این مدت دو نوگل تازه شکفته به نام سنبل و مینا طراوت خاصی به گلزار خانوادگی ما بخشیدند و دیگر نه غمی داشتم و نه خیالی، اما از بد روزگار همسرم یوسف، دوستی داشت به نام منصور. او روزی به خانه ما آمد و اظهار داشت: "ما دوره‌ای دوستانه داریم که هر هفته در منزل یکی از دوستان تشکیل می‌گردد و دور هم جمع می‌شویم، خواهش داریم شما هم با ما باشید." یوسف قبول تقاضای دوست خود را منوط به رأی و اظهار نظر من کرد، من هم جواب مثبت دادم و قرار شد که ما هم از هفته دیگر وارد جرگه آنان شویم.

لیاس زیبایی تهیه کرده و با همان رخت نو در مجلس مجلل شمال شهر شرکت کردم. آرام آرام دریافتم که شوهرم به دختری که در آن دوره‌ها شرکت می‌کرد، علاقه‌مند شده، هر لحظه دلبستگی او توسعه و گسترش می‌یابد، به طوری که من و خانه و زندگی و حتی دو دختر چون گل خود را فراموش کرده است. شها به خانه بر نمی‌گشت، و یا اینکه خیلی دیر می‌آمد و در آن صورت هم حوصله حرف زدن نداشت و با هر بهانه‌ای جنجال راه می‌انداخت و کار را به زد و خورد می‌کشاید. در این ضمن پای رفیق شوهرم نیز به خانه ما باز شده بود. راستش این است که گرچه من در اول کار روی خوش به او



منابع :

- ۱- سفینه البحار، ماده امن
- ۲- سفینه البحار، ماده ظماء
- ۳- سفینه البحار، ماده ود
- ۴- سفینه البحار، ماده عصی
- ۵- سفینه البحار، ماده رحم
- ۶- سورة هود، آیه ۴۶
- ۷- کتاب بهشت خانواده، تألیف مرحوم دکتر سید جواد مصطفوی
- ۸- کتاب نهج البلاغه، کتاب معجم نهج البلاغه، ماده وثق
- ۹- کتاب پژوهشی در عوامل طلاق، تألیف دکتر مهدی کی نیا

ارتباط با فامیل و آشنایان بسیار دقیق و حساس باشند، و هرگز دچار ساده لوحی و سهل انگاری نگردند. چه در اثر یک غفلت کوچک کانون خانوادگی در آستانه پاشیدگی قرار می گیرد.

## سقط جنین و افسردگی مادران

“ریچارد نوگ باثور” محقق اصلی این تحقیق در نشریه انجمن پزشکی آمریکا می نویسد: وجود کردکان، خطر ابتلای زنان به بیماری افسردگی مرتبط با سقط جنین را کاهش می دهد.

محققان از پزشکان درخواست کردند تا وضعیت روحی این زنان را پس از سقط جنین بدقت بررسی کنند. این بررسی حاکی از آن است که اکثر افسردگیها در طول چند هفته اول سقط جنین بروز می کند، بنابراین زنان باید در طول اولین ماه بحرانی معاینه کامل شوند.

“نوگ باثور” افزود: پزشکان ممکن است از این امر شگفت زده شوند که سقط جنین در سالهای اول ازدواج به همان اندازه سقط جنینهای بعدی در افزایش افسردگی نقش دارد و ازدواج، جوانسی، تحصیل بیشتر و حتی درآمد فراوانتر، هیچیک نمی تواند خطر ابتلا به این مشکل روانی را کاهش دهد.

نقل از بولتن علمی - پژوهشی ۱۲۲  
خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران

شیکاگو - یونایتدپرس

بنابر تحقیق جدید به عمل آمده، سقط جنین سبب بروز افسردگی در زنان، بخصوص در زنانی که هیچ فرزندی ندارند، می شود.

تحقیق به عمل آمده به سرپرستی محققان انستیتو دولتی روان شناسی در نیویورک نشان می دهد که ۲۵ زن یا ۱۱ درصد از گروه ۲۲۹ نفری زنانی که سقط جنین داشته اند به یک دوره افسردگی عمده در طول ۶ ماه اول سقط جنین مبتلا شده اند، و این رقم بیش از دو برابر نسبت زنان در یک گروه کنترل بود.

خطر ابتلا به افسردگی عمده در بین زنان بی فرزندی که سقط جنین کرده بودند ۵ بار بیشتر از گروه کنترل بود. در حالی که این احتمال در بین زنانی که دچار سقط جنین شده بودند و فرزند دیگری داشتند، تنها اندکی بیشتر بود.